

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی حقیقت صوم از منظر مکتب نقضین

چکیده

فقها در تمام دوران همواره هم رسیدن به حقیقت احکام را داشته اند؛ زیرا رسیدن به مراد شارع مقدس و نیل به حقیقت احکام، از طریق فهم معانی پنهان و اشارات کلام مولا می باشد. این پژوهش به بررسی بطن و حقیقت یکی از احکام الهی "صوم" می پردازد. در این مقال ضمن تبیین حقیقت صوم و ارتباط آن با صبر و ولایت، با نگاهی نو با استناد به آیات حضرت قرآن و روایات نورانی حضرات معصومین (علیهم السلام)، به تبیین برخی از احکام و متفرعات باب صیام می پردازیم و از رهگذر مستندات گردآورده شده، اثبات می شود که حکمت تشریح صوم، حقیقت شهر رمضان، تکبیر در شهر الله الاکبر، جعل تکالیف بر مبنای یسر، حدود الله، فطر و زکات فطره؛ چیزی جز معرفه الامام و ولایت پذیری نیست. یعنی اساس صوم بر مبنای ولایت امیرالمومنین و اولادش (علیهم السلام أجمعین) می باشد؛ لذا به امساک در صورتیکه در معرفت و طاعت امام نبوده باشد، صوم اطلاق نمی شود و چنین فعلی تخصصاً از عنوان صوم خارج خواهد بود.

کلیدواژه: صوم، روزه، صبر، امامت، ولایت، آیات، روایات

مقدمه

اساس منابع اجتهاد و استنباط در شریعت مقدس اسلام، ثقلین می باشد؛ کتاب که بیان واضح و آشکار همه چیز در آن آمده است؛ «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» و عترت که تمام اشیاء نزد ایشان به إحصاء درآمده است؛ «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ». خطاب های شرعی در ثقلین، ظواهر و بطونی دارد که این هم موافق بالاترین درجات فصاحت و بلاغت است و هم ذخیره ای برای رفع حوائج جمیع بندگان تا روز قیامت می باشد، در واقع از آنجا که ثقلین، تبیان کلّ شیء می باشند، بیان شرعی باید و جوهات متکثری داشته باشد، تا همه مکلفین با هر سطح عقلی بتواند از آن بهره ببرد.

به همین سبب ملاحظه می شود که در اخبار، فقهات، متوقف بر معرفت معاریض کلام و لحن قول شده است، تا آنجا که به اراده شارع مقدس، بعثت خاتم الأنبياء (ص) که حجت خدا بر جهانیان می باشند، به تعریض بوده است.^۱

به عنوان نمونه می توان به کلام امام صادق (علیه السلام) اشاره نمود که فرمودند: «لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَقِيهًا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا وَإِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَنْصَرِفُ عَلَيَّ سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرَجُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۸۴)؛ «هیچ یک از شما فقیه نمی شود، مگر آن که معانی پنهان و اشارات کلام ما را بشناسد، همانا سخنی از سخنان ما تا هفتاد تفسیر دارد^۲ که برای همه آنها پاسخ داریم». ایشان در جای دیگر می فرمایند: «إِنَّا وَاللَّهِ لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِنَا فَقِيهًا حَتَّى يُلْحَنَ لَهُ فَيَعْرِفَ اللَّحْنَ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۹۵)؛ «به خدا قسم ما فردی از شیعیان خود را فقیه نمی شماریم، مگر آن گاه که لحن قول ما را بشناسد».

بیان مطلب آنکه معاریض، اشارت پنهانی یا بیان مطلب در لفافه و کنایه است که دلالت وسیع و نامتناهی دارد، و معرفت به آن موجب رسیدن به مراد متکلم می شود. پس هدف اصلی و مقصد اعلی، در «درایت» نهفته است. درایت، به سان روایت، قواعدی دارد که بدون رعایت آن، حدیث شناسی - بلکه دین شناسی - محقق نمی گردد و عالمان و محدثان بزرگ، در سلوک حدیثی خویش، بدین قواعد پایبند بوده اند. گرچه تمامی این قواعد و اصول مدوّن و مبوب نیست، لیکن از لابه لای فقه الحدیث اندیشمندان دینی و برخوردار آنان با روایت، قابل اصطیاد است (مهریزی، ۱۳۷۶، صص ۲-۹).

امام (علیه السلام) در احادیث فوق، تاکید بر فهم معاریض کلام و لحن قول می کند. باتوجه به خلأیی که در حقیقت معنای صوم وجود دارد، ضرورت دارد که با نگاهی نو به پشتوانه آیات قرآن کریم و تفسیر قرآن توسط روایات نورانی اهل بیت (علیهم السلام) به بررسی آن پردازیم. چراکه روش تفسیر قرآن به

^۱ «فَبَعَثَ اللَّهُ بِالْتَّعْرِيزِ لَأَيُّهَا بِالْتَّصْرِيحِ وَأَثْبَتَ حُجَّةَ اللَّهِ تَعْرِيزًا لَأَيُّهَا تَصْرِيحًا». (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۵۵)

^۲ «إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا وَلِلْبَطْنِ بَطْنٌ، إِلَى سَبْعِينَ بَطْنًا». (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۷)

سنت یکی از اقسام چهارگانه تفسیر به مآثور یا تفسیر نقلی است. مقصود از سنت در نزد امامیه، قول و فعل و تقریر معصوم، اعم از پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) و امامان (عليهم السلام) است و مراد از این شیوه، روشن کردن مفاد آیات و مقاصد آنها با قول یا فعل یا تقریر معصوم (عليه السلام) است (وزیری، ۱۳۹۱، صص ۱۶۱-۱۸۴).

همانطور که ذکر شد، تعریض در کلام ثقلین، متکثر و نامحدود است، پس برای کشف مراد شارع، باید کشف ستر نمود (چنانچه حجیت ظواهر نیز از همین باب می باشد؛ چراکه ظواهر کلام را از این جهت حجت دانستیم که مراد متکلم را کشف کنیم و الا هیچگاه مولا نخواسته که ما در لفظ و ظاهر بمانیم، بلکه همواره اصالت با معنا و حقیقت مراد بوده، و ظاهر هم از همین باب، حجت شده است)، و این همان دلیل ضرورت «تفقه در معاریض کلام مولا» است.

البته با توجه به این حقیقت که عقول مکلفین در حال تکامل و بلوغ می باشد و سطوح آنان با یکدیگر متمایز است، درایت در معاریض کلام و لحن قول، به قدر عقلی است که از جانب خداوند متعال به آنان اعطا شده است؛^۱ به این معنا که در وجودهای مختلف، بنا به سعه وجودی مکلفین و بهره ای که هر مکلف از نعمت عقل برده است، متفاوت می باشد.

تشریح خلا پژوهشی موجود

فقها و مجتهدین در تمام دوران به تدبیر، تفقه و معرفت در لحن قول و معاریض کلام ائمه معصومین (عليهم السلام) اهتمام داشته اند. در واقع هرچند آنها در تألیف رسائل خود به استنباط و فتوا دادن در ظواهر احکام پرداخته اند، اما حرکت فقهاتی آنان در دوران مختلف تاریخ تداعی کننده این مهم است که تفقه در معاریض کلام و بطون احکام با تأسی از منابع شریعت، هدف غایی آنان بوده است. زیرا تفقه، رسیدن به مراد شارع مقدس و نیل به حقیقت احکام تشریعی، از طریق فهم معانی پنهان و اشارات کلام مولا می باشد. به عبارت دیگر طریق رسیدن به مراد شارع، فهم معاریض کلام و لحن قول ایشان است چنانچه ملاحظه می شود تألیف کتبی چون موارد زیر که در میان فقها از اعصار گذشته تاکنون رایج بوده، در همان راستای هدف غایی تفقه در دین و فهم مراد شارع مقدس از تشریح احکام بوده است.

به عنوان نمونه می توان به آثاری چون موارد ذیل اشاره نمود:

شیخ صدوق: علل الشرائع و معانی الأخبار (مؤلف در این اثر، ضمن تبیین تعریض های موجود در کلام ثقلین، معنای حقیقی و مراد معصومین را برای مخاطبین روشن کرده است، البته شیخ صدوق در این کتاب به بررسی روایات در حوزه مسائل اعتقادی اکتفا نموده است) / قطب الدین الراوندی: آیات الاحکام یا فقه

۱. «أَنَّ فِيمَا كُلِّ امْرِئٍ وَقَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا». (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۲)

القرآن / ابن فهد الحلبي: اسرار الصلاة / شهيد زين الدين الجبعي العاملي: الصلاة لا تقبل الا بالولاية، تنبيهات عليه (اسرار الصلاة) / مرحوم مجلسي أول: لوامع صاحبقراني مشهور به شرح فقيه / ملا محسن الفيض الكاشاني: اسرار الصلاة / شيخ حر عاملي: وسائل الشيعة / شيخ محمد تقي بن شيخ محمد تهراني رازي: اسرار آيات، اسرار الأحكام، اسرار الشريعة / آيت الله سيد عبد الله شبر: اسرار حج / ملا احمد بن محمد مهدي نراقی: اسرار الحج / ملا هادي سبزواری: اسرار الحكم في المفتاح والمختتم، شرح نبراس الهدى في أحكام الفقه وأسرارها و آثار بسیار ديگر

اما بررسی آثار موجود حاکی از این مطلب است که بررسی اصل فلسفه و بطون احکام مغفول مانده است. در حالیکه اساس تفقه، بر معرفت به معاریض کلام و لحن قول شارع مقدس و موالیان امر مبتنی است و فقاہت، بدون توجه به این مهم، موجب خروج تخصصی از معنای فقیه می شود. لذا هم ما در این مقاله، مستفاد از مستندات مزبور، پرداختن به بطن و حقیقت احکام در بخش صوم است. در این پژوهش پس از تبیین کلیات بحث، وارد بررسی فقهی فروع و اجزا خواهیم شد و با نگاهی نو به بررسی حقیقت معنای صوم و ارتباط آن با صبر و ولایت از منظر آیات و روایات خواهیم پرداخت.

۱- کُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ

صوم، یکی از وجوه «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا»؛ «برای شما از دین (آسمانی) همان را تشریح کرد که به نوح (اولین پیامبر صاحب شریعت) توصیه کرده بود» (شوری: ۱۳) می باشد. بعبارت دیگر، صوم یکی از صور و وجوه اکمل صورت کلی تشریح می باشد و به وجهی از وجوه حقیقت تشریح یعنی ولایت اشاره دارد که از همان ابتدای خلقت، تشریح شده بود؛ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما واجب شده است، چنانچه بر اقوام قبل شما نیز واجب شده بود، به امید اینکه تقوا پیشه کنید» (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۳).

صوم در لغت به إمساك، حبس و كَفَّ نَفْسٍ یا صبر معنا شده است.^۱ این لفظ در علم لغت و نیز در اخبار به «صبر» اطلاق شده است. چنانچه امام صادق (علیه السلام) در روایتی تصریح به این معنا نمودند که «الصبر هو الصوم» (عیاشی، ج ۱، ص ۴۳). بعلاوه آن حضرت در کلامی فرموده اند: «وَالصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَكَأَيْمَانٍ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ». (علی بن موسی الرضا علیه السلام، ص ۸۱) به این معنا که صیام،

^۱. به عنوان نمونه مراجعه شود به:

مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۵۹: سَمِيَ الصَّوْمُ صَبْرًا.

لسان العرب، ج ۴، ص ۴۳۹: شَهْرُ الصَّبْرِ: شَهْرُ الصَّوْمِ. صُمَّ شَهْرُ الصَّبْرِ؛ هُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَأَصْلُ الصَّبْرِ الْجَبْسُ، وَ سَمِيَ الصَّوْمُ صَبْرًا لِمَا فِيهِ مِنْ جَبْسِ النَّفْسِ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَالنِّكَاحِ.

محدود به امساک از مفطرات نمی شود^۱، بلکه در این تکلیف شرعی حقیقتی نهفته است؛ صوم، صبر است و صبر، رأس الایمان است.

۱-۱ - اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا:

خداوند متعال در آیه مبارکه ۲۰۰ آل عمران می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...»؛ ای اهل ایمان! صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید تا متصل شوید. لسان الله الناطق امام صادق (علیه السلام) در تفسیر شریفه فرمودند: «خَلَقَ شَيْعَتَهُمْ، أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَأَنْ يَصْبِرُوا وَيُصَابِرُوا وَيُرَابِطُوا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۵۱). بر این اساس، صبر، عهدی بوده که خداوند متعال آنرا از شیعیان و مومنان اتخاذ فرموده است. همچنین آن حضرت مراد از عبارت «أَنْ يَصْبِرُوا وَيُصَابِرُوا وَيُرَابِطُوا» (آل عمران: ۲۰۰) را در گزاره های مختلفی چنین تفسیر فرمودند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا عَلَى الْفُرَايِضِ وَصَابِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ وَرَابِطُوا عَلَى الْأُئِمَّةِ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۱۱) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا عَلَى دِينِكُمْ وَصَابِرُوا عِدْوَكُمْ مِمَّنْ يَخَالَفُكُمْ» (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۶۴).

در شرح شریفه باید اشاره داشت که عبارات مُصَدَّرٌ به ایمان است، پس ایمان، مقدم بر صبر و صوم است، وقتی مکلف، معنون به مومن شود، صبر بر فرائض برای او ایجاد می شود. امر نخست کریمه، «اصْبِرُوا عَلَى الْفُرَايِضِ» امر شمولی بر حمل دین و فرائض آن یا همان ولایت می باشد. چون اصل الفرائض، معرفت به ولایت است؛ «إِنَّ الْفُرَايِضَ الْوَاجِبَةَ بَعْدَ الْوَلَايَةِ...» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۳۳۹). سپس صبر در مصائب و مظلّم و بعبارت دیگر حمل مصیبت امر شده که «مُصِيبَةٌ مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رِزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» به مصیبت حضرت اَبی عبدالله الحسین (علیه السلام) اختصاص داده شده و به همین سبب، طریق انحصاری رسیدن به حقیقت عبودیت و کمال تفقه در دین، حمل مصیبت کربلائی حضرت اَبی عبدالله الحسین (علیه السلام) و معرفت به ولایت حسینی (علیه السلام) می باشد. و آخرین گزاره عبارتست از «وَرَابِطُوا عَلَى الْأُئِمَّةِ» که واو در اینجا از نوع نتیجه است، به این معنا که ثمره پذیرش ولایت و حمل آن و حمل مصائب که مصداق اعظم آن مصیبت کربلاست، به «رَابِطُوا عَلَى الْأُئِمَّةِ» منتج می شود.

۱. مؤید این مطلب، کلام امام صادق (علیه السلام) است که بطور مفصل به وجوه صوم اشاره می فرماید و روزه را اختصاص به نخوردن و نیاشامیدن نمی کنند؛ بلکه شرایطی برای آن لحاظ می کنند که باید حفظ شود؛ «إِنَّ الصَّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَحَدَهُ، إِنَّمَا لِلصَّوْمِ شَرْطٌ يَحْتَاجُ أَنْ يُحْفَظَ حَتَّى يَتِمَّ الصَّوْمُ وَهُوَ: الصَّمْتُ الدَّخْلُ مَا تَسْمَعُ مَا قَالَتْ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ "إِنِّي نَدَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا"؛ يَعْنِي صَمْتًا. فَإِذَا صُمْتُمْ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنِ الْكُذْبِ وَغَضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَكَأَنَّ تَنَازَعُوا وَكَأَنَّ تَحَاسَدُوا وَكَأَنَّ تَعْتَابُوا وَكَأَنَّ تَمَارَوْا وَكَأَنَّ تَكْذَبُوا وَكَأَنَّ تَبَاشَرُوا وَكَأَنَّ تَخَالَفُوا وَكَأَنَّ تَغَايَبُوا وَكَأَنَّ تَسَابَوْا وَكَأَنَّ تَسَاتَمُوا وَكَأَنَّ تَنَادَوْا وَكَأَنَّ تَنَادَلُوا وَكَأَنَّ تَنَادَلُوا وَكَأَنَّ تَنَادَلُوا وَكَأَنَّ تَنَادَلُوا وَكَأَنَّ تَنَادَلُوا...» (اشعری قمی، ۱۴۰۸، ص ۲۲).

پس حقیقت معنای صبر، «حمل» است و حمل در اتم و اکمل معنا، تحمّل است. و مراد از حمل، حمل ولایت است. وقتی حمل ولایت بمعنی اتم و الاکمل صورت بگیرد، صبر که معادل صوم است، محقق می شود. پس اعلی مرتبه حمل ولایت، صبر و صوم یا تحمّل است. به همین سبب از صوم در نصوص به باب العبادة تعبیر شده (قضاعی، ۱۳۶۱ ش، ص ۳۶۲)، زیرا حمل ولایت بای برای تحصیل حقیقت عبودیت و معرفت نورانی امام است.

۲-۱ - اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ:

بیان شد که صوم در أدله، به صبر تعبیر شده است. خداوند متعال در سوره مبارکه بقره، آیه ۴۵ می فرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»؛ «و در کارهایتان از صبر و نماز یاری طلبید و البته نماز دشوار و گران است مگر بر فروتنان». امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه مبارکه می فرماید: «صبر، روزه است، و چون مصیبتی بزرگ یا شدتی بر کسی فرود آید، پس باید روزه بگیرد، زیرا خدای عزّ و جلّ می فرماید: از صبر یاری بخواهید یعنی از روزه» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۴).

پس امر به استعانت از صبر و صلاة، همان امر به طلب یاری از روزه و نماز است. امام علی (علیه السلام) در خطبه مبارکه نورانیت به حقیقت این دو فرایض تصریح فرمودند که «فالصبر رسول الله، و الصلاة إقامة ولایتی» (علوی، ۱۴۲۸، ص ۶۹)؛ حقیقت صبر، رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است، و صلاة مؤولّ به ولایت شده که حمل آن جز بر خاشعین، کبیر است. پس صبر و صیام در وجود حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) به ظهور رسیده است و در حقیقت، مکلفین امر شدند به استعانت از اسوه خلقت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، برای حمل ولایت. پس حقیقت صیام آنگاه برای مکلف تحصیل می شود که در سیره و محیای آن حضرت تفقه نماید. با این توضیح که بیان شد که صوم، صبر است و صبر، حمل ولایت بمعنی اتم و الاکمل می باشد. و جمیع شئون ولایت به معنای اتم و اکمل آن در وجود ذی وجود خاتم المرسلین حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته است و همه وجود آن حضرت، فرائض ولایت می باشد و لذا سیره آن حضرت منحصر طریق الولاية است. به همین دلیل، آن حضرت، حقیقت صوم و صبر می باشند.

پس از تبیین حقیقت معنای صوم، بر مبنای توضیحی که ارائه شد، به شرح آیات مبارکات ۱۸۳ تا ۱۸۷ سوره مبارکه بقره که در مقام تشریح روزه و احکام و توابع مربوط به آن می باشد، می پردازیم.

۲- كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

انتهای آیه ۱۸۳ مبارکه سوره بقره که در مقام تشریح روزه می باشد، به عبارت شریف «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» ختم شده است. پس از آنکه شارع مقدس در این کریمه به تشریح صوم بر جمیع امم از زمان حضرت آدم تصریح می فرماید، غرض این تشریح را با این گزاره تبیین می فرماید: «امید اینکه تقوا پیشه کنید». تقوا، «خَيْرُ الزَّادِ» یا بهترین توشه است و لذا مکلفین امر به تزود آن شده اند (بقره: ۱۹۷)، چرا که گرامی بودن عبد، نزد معبود، به مقدار تزود تقوا است (حجرات: ۱۳)؛ و متقین، نزد ملیک مقتدر إلتجا می یابند (قمر: ۵۴ و ۵۵). تزود، باب تفعل للمطاوعه است، و لذا تزود تقوا، متعلق اراده و اختیار عبد می باشد؛ یعنی فعل مندوحه ایست که مدرج می باشد، بنابراین بقدر اهتمامی که عبد در تحصیل تقوا دارد، نزد مولا إکرام و نزد ملک مقتدر جایگاه پیدا می کند. اما حقیقت تقوا که خود از اوامر علیحده الهی است و نیز غرض تشریح صوم می باشد، باید مورد مذاقه قرار گیرد.

أمیرالمومنین علی (علیه السلام) در یکی از خطبات خویش فرمودند: «لَقَدْ كَانَ حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ كَثِيرًا مَا يَقُولُ: يَا عَلِيُّ حُبِّكَ تَقْوَى وَ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُكَ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۲۵). همچنین از امام صادق (علیه السلام) مرویست: «الْمُتَّقُونَ، شِيعَةُ عَلِيٍّ» (ابن بابویه، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۸). بنابراین حقیقت تقوا، ولایت است، و متقی، شیعه من شعاع نور أهل البيت (علیهم السلام) می باشد. به این ترتیب، حقیقت صوم که حمل ولایت بمعنی الاتم و الاكمل است، موجب تحصیل تقوا یعنی ولایت امام می شود. به بیان دیگر صائمین (حاملین امر امام) و متقین (محبین و موالین) می باشند و جایگاه متقین فی معقد صدق عند ملیک مقتدر است؛ یعنی موضع ایشان، نزد آن کسیست که جمیع شئون ولایت به معنای اتم و اكمل ولایت در وجود ذی وجودش قرار دارد. چنانچه حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) راجع بدان فرمودند: «يَا عَلِيُّ! مَنْ أَحَبَّكَ وَ تَوَلَّكَ، أَسَكَّنَهُ اللَّهُ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ تَلَّا رَسُولَ اللَّهِ: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهْرٍ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۶۰۹). در حقیقت، صائمین با ظرفیتی که برای حمل علم نورانی آل محمد (علیهم السلام) در صوم فراهم می کنند، می توانند وارد حریم حقیقت عبودیت و بعبارت دیگر توشه برگرفتن برای آخرت خود شوند.

۳- فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ

یکی از احکامی که در آیات باب صوم به آن اشاره شده است؛ ظرف وجوب آن یعنی ماه مبارک رمضان است؛ «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (بقره: ۱۸۵). مکلفین با شهود ماه رمضان، باید نیت روزه واجب بنمایند، شهود یا درک ماه، علاوه بر اینکه دلالت بر وجوب روزه بعد از حلول رمضان مبارک دارد، به

معنای لزوم معرفت به ماه مبارک نیز می باشد: «[إذا] عرفوا حق رمضان صار كفارة لهم و أذهب عنهم ذنوبهم و طهرهم منها» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۰۵).

بیان مطلب اینکه تعداد ماه ها نزد خداوند محدود و معین، و در کتاب الله مسطور بوده است (توبه: ۳۶)، در میان ماه ها، ماه خدا و سید ماه ها، ماه مبارک رمضان می باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۶). در نصوص بر این مطلب تاکید شده است که هریک از آیام و ماه ها، صاحب وجود و روح، وجوه و شئون می باشند که معرفت به آنها، تحصیل معرفه الله محسوب می شود؛ چنانچه آمده است: «نحن الأيام ونحن الشهور»؛ «ما روزها و ما ماه ها هستیم» (عاملی نباطی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۵۹)، و نیز فرمودند: «نحن الليالي و الأيام و من لم يعرف هذه الأيام، لم يعرف الله حق معرفته»؛ «ما شبها و روزها هستیم. هرکس این ایام را نشناخت، خدا را آنگونه که باید نشناخته است» (حافظ برسی، ۱۴۲۲، ص ۶۹).

از میان شهور، ماه مبارک رمضان به عنوان اسم الله تبارک و تعالی اصطفای گشته و بر همه زمانها و روزگارها برتری داده شده و به سبب قرآن و نوری که در آن نازل شده، بر همه وقتهاي سال برگزیده شده است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ص ۶۲۳)، و به همین سبب، معرفت به ظهر و بطن آن در اخبار مورد تصریح قرار گرفته است. بطن معنای این ماه، به ورود در حصن حصین محکم الهی تشبیه شده که آن حصن در حقیقت، وجود مبارک أسماء الله الحسنی یعنی امام می باشد. چنانچه در اقوال دیگر مانند قول امیرالمومنین علی (علیه السلام) در خطبه مبارکه افتخار آمده است که فرمودند: «أنا الصيام و أنا شهر رمضان»: «من حقیقت روزه و ماه مبارک رمضان هستم» (حافظ برسی، ۱۴۲۲، ص ۲۶۱). پس حقیقت رمضان مبارک که اسم الله است نیز به وجود مبارک امام ارجاع دارد، بررسی أهم شئون این ماه عظیم القدر، مطلوب را تصدیق می کند.

۳-۱ شهر الطهور

رمضان «شهر الطهور و التَّمْحِیص» و ماه پاکیزه ساختن است. در توضیح این شأن باید به این مطلب اشاره کرد که رمضان در اصل لغت از «رمض» بمعنای شدت حرارت می باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۶۰). در اصطلاح حدیثی، رمضان، سوزاننده گناهان تعبیر شده است: «إنما سَمِيَ رمضان، لأنَّ رمضان یرمض الذنوب» (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۱) و «أرْمَضَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ ذُنُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَ غَفَرَهَا» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۵). تحقق این تعریف، مقید به تحصیل معرفت نسبت به حق رمضان و رعایت حدود آن است: «مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ يَعْرِفُ حُدُودَهُ وَ يَتَحَفَّظُ كَمَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَحَفَّظَ فَقَدْ كَفَرَ مَا كَانَ قَبْلَهُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۶، ص ۱۳۱).

پس ماه مبارک رمضان، ماه طهور است چون عبد با شناخت حقیقت رمضان که معرفت به امام است، می تواند طهارت بدست آورد.

۲-۳- ربيع القرآن

ماه مبارک رمضان، ربيع القرآن است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۰)، زیرا نزول حضرت قرآن در این ماه نازل شده است. یکی از علل تشریح روزه در این ماه و نه ماههای دیگر، نزول حضرت قرآن می باشد، از اینرو ماه مبارک رمضان به «شهر الله الاسلام» نیز توصیف شده، چون حضرت قرآن، آثافی الاسلام و بنیانه می باشد (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۵). در این ماه حق تعالی بین اهل حق و باطل تفرقه انداخت، چنانچه خود در حضرت قرآن فرمود: ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن برای هدایت مردم و به منظور امتیاز حق از باطل با ادله ای روشن نازل گردیده است، در این ماه حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به نبوت برانگیخته شد و لیلۃ القدر که از هزار ماه بهتر است و در آن هر فرمان حکیم تفریق می گردد و آنچه از خیر و شر، ضرر و منفعت، روزی و مرگ است، برای انسان مقرر می شود، در این ماه قرار داده شد (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۳۶). حضرت قرآن کتاب هدایت به استوارترین راه ها یعنی بسوی امام است (إسراء: ۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱۶). به همین جهت است که حضرت قرآن، هدایت خویش را تنها به متقین یعنی شیعیان امیرالمومنین علی (علیه السلام) اختصاص داده است، یعنی کسانی که از هدایت حضرت قرآن بهره برده و به سوی هادی امت و هادی عالم هدایت یافته اند (ابن بابویه، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۸). پس حقیقت حضرت قرآن که همان ولایت و معرفت امام است در ماه رمضان که حقیقت آن نیز جز ولایت امام نیست، نازل شده است.

در تکمیل این مطلب، می توان اضافه کرد که حضرت قرآن به صورت دفعی در قلب سید شهور یعنی لیلۃ القدر یا لیلۃ مبارکه نازل شد (قدر: ۱ و دخان: ۱ الی ۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۶). بطن و سر لیلۃ القدر یا لیلۃ مبارکه که در آن کل امر از یکدیگر تفریق یافته و جدا شده است، وجود مبارک حضرت فاطمه الزهراء (سلام الله علیها) می باشد و لذا هر عبدي به قدر معرفت فاطمی که به دست آورده، می تواند از قلب ماه مبارک رمضان بهره مند شود (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۸۱)^۱. به بیان دیگر معرفت فاطمی، موجب تحصیل طهارت، و درک و شهود حصن حصین ولایت علوی است که همان حقیقت ماه مبارک رمضان و امر نازل شده در لیلۃ القدر می باشد: «فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَادِقًا كَإِلَّا الْحَقَّتِنَا بِتَصَدِّيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا

۱. آنگونه که امام صادق (علیه السلام) ذیل آیه مبارکه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر: ۱) فرمودند: «مراد از «شب»، فاطمه و مراد از «قدر» خداوند است. پس هر کس فاطمه (علیها السلام) را آن گونه که باید بشناسد، شب قدر را درک کرده است. همانا ایشان «فاطمه» نامیده شدند؛ زیرا خلایق از شناخت او عاجز هستند».

۲. چنانچه در بسیاری از جوامع حدیثی تصریح شده است که امر نازل شده در لیلۃ القدر همان ولایت آل الله بود است: مانند حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمودند: يَا عَلِيُّ! أَتَدْرِي مَا مَعْنَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ؟ «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدَّرَ فِيهَا مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَكَانَ فِيمَا قَدَّرَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَأَيْتِكَ وَوَلَايَةُ الْأُمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۳۱۵)؛ ای علی جان! آیا می دانی

بَوْلَايَتِكَ»؛ «پس از تو درخواست می کنیم اگر تصدیق کننده تو بوده ایم ما را به تصدیقمان به پدرت و جانشینش ملحق کنی، تا خود را بشارت دهیم، که به سبب ولایت تو پاک گشته ایم». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، صص ۹۷-۱۹۵)

۴- وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ

براساس آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره، از دیگر متفرعات باب صیام، تکبیر در ابتدا و انتهای ماه عظیم رمضان می باشد: «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»؛ «او خواسته تا اینکه عدد روزه را تکمیل کرده تا خدا را به خاطر اینکه شما را هدایت کرده تکبیر بگویید و شکر گزار باشید».

همانطور که بیان شد، با حلول ماه مبارک رمضان، مکلف با معرفت به حقیقت سید شهور، وارد طواف در حصن حصین ولایت می شود و لازمه این طواف، احرام است که احرام در این باب، با ذکر الله الاکبر است: «مَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ يُطَافُ بِالْحِصْنِ وَالْحِصْنُ هُوَ الْإِمَامُ فَيُكَبَّرُ عِنْدَ رُؤْيَتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۳۹۶). پس روزه با ذکر الله اکبر آغاز می شود که بمعنای تحریم است، به این معنا که صائم، مُحرم می شود و از هر آنچه موجب بُعد یا عصیان او از طاعت امام است، امساک نموده و برائت می جوید، در غیر اینصورت افعال او تخصصاً از عنوان صیام خارج خواهد بود. همانگونه که امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «لَا صِيَامَ لِمَنْ عَصَى الْإِمَامَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳، ص ۲۹۵). در واقع، به امساک در صورتیکه در طاعت امام نبوده باشد، صوم اطلاق نمی شود و چنین فعلی تخصصاً از عنوان صوم خارج خواهد بود. در نتیجه تکمیل عده صیام که مأمور به بعدی مکلفین است، سالبه به انتفای موضوع خواهد بود. چون آنکه به شهود حقیقت این شهر الله برسد، باید عده صیام را تکمیل نماید، آنگونه که فرموده اند: «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» (بقره: ۱۸۵). حال وقتی صائم، مُحرم گشت و وارد حصن امام در سید شهور شد، و تحصیل معرفت نمود، پس از اتمام عده، به سبب هدایتی که برای او محقق شده است، بار دیگر تکبیر می گوید: «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (بقره: ۱۸۵)؛ تا خدا را به خاطر اینکه شما را هدایت کرده تکبیر بگویید و شکر گزار باشید. در تفسیر کریمه آمده است: «التَّكْبِيرُ التَّعْظِيمُ لِلَّهِ وَالْهِدَايَةُ الْوَلَايَةُ، وَالشُّكْرُ الْوَلَايَةُ وَالْمَعْرِفَةُ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ۱۴۹-۱۴۲). پس صائم به شکرانه هدایتش بسوی صراط مستقیم یعنی ولایت ولی الله الاعظم و معرفت بدان، ذات اقدس الهی را تعظیم و تحمید می نماید (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۹۶).

معنی شب قدر چیست؟ «خداوند تبارک و تعالی در آن شب، آنچه تا روز قیامت رخ خواهد داد را تقدیر فرمود و در این شب مبارک، ولایت تو را و ولایت امامان از فرزندان تو را تا روز قیامت مقدر فرمود».

۵- يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ

يکي ديگر از احکام ذکر شده در آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره که مربوط به باب صیام نیز می باشد، «قاعده میسور» است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ»؛ «خداوند برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد». گرچه مجرد حلول ماه مبارک رمضان، موجب و جوب روزه می شود، اما از عموم عام حکم، مریض و مسافر ترخیص داده شده اند (بقره: ۱۸۵). علت ترخیص در حکم، تسهیل و تیسیر شارع مقدس در احکام است. چنانچه حضرت ختمی مرتبت (صلي الله عليه و آله و سلم) فرمودند: «بعثت عليكم بالحنيفية السهلة السهلة البيضاء»؛ «من به شريعت سهولت و سماحت مبعوث شده ام» (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۴۷). البته قاعده مذکور که در کریمه به عنوان تعلیلی برای ترخیص حکم استعمال شده، تخصیص به صیام ندارد، بلکه مجرای آن در جمیع تشریح است و روزه یکی از مصادیق آن می باشد. پس مبنای جعل تشریح از جانب شارع مقدس بر یسر می باشد و نه عسر، و حقیقت یسر در نصوص ولایت و بطن عسر، موالات دشمنان خدا می باشد: «الْيُسْرُ الْوَلَايَةُ وَالْعُسْرُ الْخِلَافُ وَ مَوَالَاةُ أَعْدَاءِ اللَّهِ» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۹۴)، «فَذَلِكَ الْيُسْرُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۰۳). بنابراین اینکه تشریح مبتنی بر یسر می باشد، یعنی اساس شریعت بر مبنای ولایت یعسوب الدین و اولاد آن حضرت (علیهم السلام) می باشد و قرار گرفتن تحت ولایت امام، محقق معنای یسر در احکام شریعت است. زیرا ظواهر تشریح با غرض ایصال عباد به حقیقه العبودية جعل شده، لذا در فروع احکام به مکلفین رخصت داده شده تا التفات ایشان متوجه مقصد اصلی مولا در مسیر عبودیت و نیل به حقیقت احکام باشد نه صرف بقا در ظاهر بخاطر سختگیری در آن.

۶- فَلَا تَقْرَبُوا حُدُودَ اللَّهِ

خداوند متعال برای روزه، حدودی وضع کرده و فرموده است: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا»؛ این احکام، حدود دین خداست (بقره: ۱۸۷). حدود صوم در یک معنا به فصل و مرز های ذکر شده در کلام شارع برای حکم روزه گفته می شود که در این صورت عبارتست از رعایت مُفْطِرَاتِي مانند عدم جواز خوردن و نوشیدن از زمان اذان صبح تا اذان مغرب که در صدر آیه مبارکه ۱۸۷ سوره بقره به آنها اشاره شده است. در معنای دیگر حد روزه عبارتست از منتهای روزه؛ به این معنا که حد هر فریضه، اتیان و امتثال آن فریضه است و حد روزه، صوم کل ماه مبارک رمضان است: «فَرَضَ اللَّهُ الْفَرَائِضَ فَمَنْ أَدَّاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُنَّ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۱۶۱). در صورتیکه مکلف، ملتزم و مراعی این حدود الهی باشد، روزه اش تمام خواهد بود، اما تعدی از حدود الله، خروج از طاعت مولا بسوی معصیت است و مقتضای این خروج، اطلاق ظالم بر فاعل معصیت است؛

«تَلِكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: ۲۲۹). ظلم، باعث بُعد عبد از مولا می شود، به همین دلیل در لسان دلیل، مکلفین به عدم قرب به منهیات و رعایت حدود الله امر شده اند. حدود، برای اطاعت و در نتیجه جهت قرب وضع شده است. پس در حقیقت، التزام به حدود الهی موجب قرب عبد، و تعدی از آن چه از جانب مقصّر (جاهل نسبت به حدود شرعی) و چه از جانب متعدی، معذور نبوده و موجب بُعد از مولا می شود.

رعایت حدود الله در فرائض، در حقیقت رسیدن به بطون آن شریعت است و ایتان به معنای اکمل، معرفت به اسرار و بطون آن فریضه می باشد. گرچه به جا آوردن ظاهر فریضه و عمل عبادی ظاهراً تکلیف را از ذمه مکلف ساقط می کند، اما حقیقت ایتان حدود فقط بانیل به نورانیت احکام و فرائض حاصل می شود. شاهد بر این مدعا، مطلبی است که ذیل بحث ظرف زمانی روزه مطرح شد مبني بر اینکه چنانچه ظاهر صوم با معرفت به بطن ماه صیام (یعنی حد آن) همراه باشد، درک ماه رمضان در مورد آن مکلف، محقق و رمض ذنوب صورت می پذیرد: «[إذا] عرفوا حق رمضان صار كفارة لهم و أذهب عنهم ذنوبهم و طهرهم منها و إنما يتم ذلك بانقضاء رمضان» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۰۵).

اما حقیقت معنای «حدود الله» و بطن آن در آیات حضرت قرآن، اشاره به وجود مقدس ائمه (علیهم السلام) دارد: «حَنُّ حُدُودِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۹، ص ۸۸)

شاهد دیگر در تایید این مطلب، روایت امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه ۲۲۹ سوره بقره می باشد: «... فَأَخْبِرَكَ حَقَائِقُ ... هُمْ أَصْلُهُ وَمِنْهُمْ الْفُرُوعُ الْحَلَالُ وَ ذَلِكَ سَعِيهِمْ، وَ مِنْ فُرُوعِهِمْ أَمْرُهُمْ شِعْتَهُمْ وَ أَهْلُ وَكَايَتِهِمْ بِالْحَلَالِ مِنْ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ وَ حَجِّ الْبَيْتِ...، فَعَدُوهُمْ هُمْ الْحَرَامُ الْمُحَرَّمُ ... وَ أَصْلُ كُلِّ حَرَامٍ وَ هُمْ الشَّرُّ وَ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَ مِنْهُمْ فُرُوعُ الشَّرِّ كُلِّهِ، ... إِنْ نِي أَخْبِرَكَ أَنَّ الدِّينَ وَ أَصْلَ الدِّينِ هُوَ رَجُلٌ وَ ذَلِكَ الرَّجُلُ هُوَ الْيَقِينُ وَ هُوَ الْإِيمَانُ وَ هُوَ إِمَامُ أُمَّتِهِ وَ أَهْلُ زَمَانِهِ ... وَ لَا يَعْرِفُ اللَّهُ وَ دِينَهُ وَ حُدُودَهُ وَ شَرَائِعَهُ بِغَيْرِ ذَلِكَ الْإِمَامِ» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۲۹)؛ از حقائق تو را با خبر می سازم که ... اصل، ائمه اطهار (علیهم السلام) می باشند و حلال از فروع آنها بوجود آمده است. امر شیعیان به اقامه نماز و ایتای زکات، صوم و حج و ... بقیه احکام الهی، همه از فروع آن اصل است، و دشمنان آنان همان اصل حرام و شرّ می باشند و همه محرّمات و هر شرّی از فروع آن اصل می باشد. و بدان که ریشه دین و پایه آن، یک شخص است و آن امام امت می باشد و لذا دین و حدود و شرایع الهی جز با امام شناخته نمی شود (یعنی جاهل به معرفت امام، جاهل به دین و حدود الهی است).

به همین علت است که شریفه ۱۴ سوره مبارکه نساء، معنای تعدی حدود الله را سرپیچی از قبول ولایت امیرالمومنین علی (علیه السلام) معرفی می کند: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَاراً خَالِداً فِيهَا وَ لَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۰۸).

بنابراین روزه، زمانی تمام است که به بطن و حقیقت آن و عبارت دیگر به حدود آن معرفت حاصل شده باشد و همانطور تبیین شد، حقیقت آن چیزی جز ولایت حضرت ولی الله الاعظم نمی باشد، پس مکلف با حمل ولایت و معرفت به ساحت مقدس امام، حدود الهی را می تواند اقامه نماید و تکلیف را امتثال کند.

۷- فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا

شهر الله الاسلام، پس از یک ماه کف نفس و ورع از محارم الله، منتهی به روز فطر (روز نخست شوال المکرم) می شود. فطر، اشاره به نوع صبغت و خلقت معاینه اللّهی و معرفة اللّهی عموم مکلفین (النّاس) دارد؛ همان امر تشریحی که خداوند تبارک و تعالی در آیه ۳۰ سوره مبارکه روم بدان تصریح فرموده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰). در حدیث شریف نبوی نیز تاکید شده که عموم مکلفین بر اساس آن فطرت توحیدی متولد می شوند: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَيَّ الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونَ أَبُوَاهُ يَهُودِيَّةً وَ يَنْصَرَانِيَّةً وَ يَمَجْسَانِيَّةً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳). فطرة الله همان دین قیمی است که در کریمه مورد امر شارع مقدس قرار گرفته است. فاطر مطلق از مکلفین، استقامت در فطرة الله را طلب فرموده است، چون هر مولدی بر فطرتش خلق می شود، پس استقامت و بقاء در آن مطلوب مولاست.

حقیقت فطرت که همان دین قیم می باشد، براساس نصوص، معرفة الامام و ولایت پذیری است؛ حضرت باقر (علیه السلام) ذیل این کریمه شریفه فرمودند: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَىٰ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا قَالَ: هِيَ الْوَلَايَةُ» (همان، ج ۱، ص ۴۱۹).

صائم پس از یکماه روزه داری که حقیقت آن حمل ولایت بمعنی الاتم و الاكمل است، وارد فطر می شود و به سویی فاطر رجوع می کند؛ یعنی به اصل فطرتش که مبتنی بر ولایت بوده است، ارجاع پیدا می کند. فاطر کسی است که عموم مکلفین براساس رحمت او (وَصَبَّغَهُمْ فِي رَحْمَتِهِ) فطرت ربوبی یافته و خلق شده اند. فاطر از اسامی خداوند تبارک و تعالی می باشد که در لغت تعبیر به مبدع و مخترع و خالق شده است. حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) در خطبه مبارکه مفاخره به اشتقاق نام مبارک خود از فاطریت ذات تصریح فرمودند: «قَالَ عَلِيٌّ: أَنَا الَّذِي اشْتَقَّ اللَّهُ تَعَالَىٰ اسْمِي مِنْ أَسْمِهِ فَهُوَ الْعَالِي وَ أَنَا عَلِيٌّ؛ قَالَتْ فَاطِمَةُ: وَ أَنَا كَذَلِكَ فَهُوَ الْفَاطِرُ وَ أَنَا فَاطِمَةُ» (ابن شاذان قمی، ۱۳۶۳، ص ۸۱). از این اشتقاق بدست می آید که فاطریت شارع مقدس که به معنای إعطای وجود به مخلوقات و معرفت بخشیدن به آنهاست، در فاطمه نهفته است. فاطریت فاطر مُنبعث از رحمت او می باشد، تخصیص فطرت به خلق با اقرار ایشان به عهد ربوبیت، و صبغه رحمة اللّهی بوده است. بدین ترتیب، خلق با تمتع از رحمت واسعه الهی موجود شدند. رحمت مطلق الهی

در وجود مبارک حضرت أمّ الرّحمة به ظهور رسیده است. پس وجود به واسطه حضرت رحمة الله الواسعة به جميع خلق اعطا شده، اما صبغه رحمة اللّهي براي مؤمنين به سبب ولايت پذيريشان بصورت اخص ظهور مي يابد، به اين معنا كه رحمة الله الواسعة، أمّ الرّحمة براي مؤمنين و مؤمنات مي باشد (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸۰).

بنابراين خلق بواسطه حضرت رحمة الله الواسعه، فطرت يافته اند و إرجاع به فطر، رجوع كاه خلق به حضرت مادر (عليها السلام) است. أمي بودن حضرت ختمي مرتبت (صلي الله عليه و آله و سلم) نیز به همين معنا اشاره دارد، و مخاطب اصلي أمر «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» نیز آن حضرت مي باشد. لذا خطاب به حضرت فاطمه (عليها السلام) همواره چنين مي فرمودند: «فداك أبوك يا فاطمة و أنت أم أبيها» (مجلسي، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۱).

۱-۷- من تمام الصوم إعطاء الزكاة

با حلول غروب شب عيد فطر، مؤمنين، مكلف به إخراج «زكات فطره يا صدقه فطره» مي شوند. خداوند متعال زكات را «صدقه» خوانده است؛ «خُدْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه: ۱۰۳). صدقه به عمل تام و صحيح از جميع جهات و شرائط اطلاق مي شود. صدقه، ريشه در صدق مؤمن دارد و برهان بر صدق و وفاي عهد او مي باشد؛ «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (احزاب: ۲۳) و «الصدقة برهان» (مجلسي، ۱۴۰۳، ج ۸۱، ص ۲۴۵).

بنابراين زكات، به اين دليل صدقه تسميه شده است كه موجب إكمال و صحت فعل مي شود؛ اگر زكات، مالي باشد، إخراج آن موجب إكمال و صحت و بقاي اموال مي شود. چنانچه اميرالمومنين علي (عليه السلام) فرموده اند: «مَنْ أَدَّى زَكَاةَ الْفِطْرَةِ تَمَّمَ اللَّهُ لَهُ بِهَا مَا نَقَصَ مِنْ زَكَاةِ مَالِهِ» (حر عاملي، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۳۱۸)، و اگر زكات، معنوي باشد، اعطاي آن سبب إكمال و إتمام اعمال مكلف مي شود. همانطور كه إمام الهدي حضرت صادق (عليه السلام) فرمودند: «از كمال روزه، پرداخت فطريه است، همان گونه كه صلوات بر پيامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) از كمال نماز است، چرا كه هر كس روزه بدارد، اما زكات نپردازد، اگر به عمد ترك کرده باشد، براي او روزه اي نيست، و نیز كسي كه صلوات بر پيامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) را ترك كند، نمازي براي او نيست. خدای متعال، پيش از روزه، زكات را گفته و فرموده است: «رستگار شد كسي كه زكات داد و نام پروردگارش را ياد كرد، و نماز خواند» (همان).

مؤدّاي كلام حبل المتين امام صادق (عليه السلام) كه زكات را به عنوان «عمل صالح» تعبير فرموده اند، مؤيد اين مطلب است. «مَنْ خَتَمَ صِيَامَهُ بِقَوْلِ صَالِحٍ أَوْ عَمَلِ صَالِحٍ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ صِيَامَهُ. فَقِيلَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! مَا الْقَوْلُ الصَّالِحُ؟ قَالَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ إِخْرَاجُ الْفِطْرَةِ» (ابن بابويه، ۱۴۰۳، ص ۲۳۶). بنابراين زكات فطره يا صدقه فطره، عمل صالحي است كه موجب إتمام صوم مي شود. لذا فطر، روز

إرجاع صائم پس از یکماه ورع از محارم الله بسوي أصل فطرت است که حقیقتش ولایت و معرفة الإمام می باشد. به این ترتیب سبب اینکه صوم، با صدقه فطره اتمام می یابد اینست که صائم پس از تحصیل حقیقت صیام، با عمل صالحش، آن عهدی را که در أصل فطرتش اتخاذ شده بوده را به صداقت می رساند و تصدیق می کند. مؤدای کلام امام صادق (علیه السلام) که زکات را به عنوان «عمل صالح» تعبیر فرموده اند، گواه بر این مطلب است.

یافته های پژوهش

- حقیقت صوم، در وجود مبارک حضرت ختمی مرتبت (صلي الله عليه و آله و سلم) به ظهور رسیده است. زیرا صوم، صبر است و صبر، حمل ولایت بمعنی الأتم و الأكمل می باشد. و از آنجا که وجود آن حضرت، جامع جمیع فرائض ولایت و ابلاغ آن بوده است، لذا حقیقت صوم و صبر می باشند. و این حمل ولایت، عهدهای بوده که خداوند تبارک و تعالی آن را از مکلفین اخذ نموده و لذا همه اقوام به روزه امر شده اند؛ یعنی امر شدند به حمل ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام).
- احکام و متفرعات باب صیام نیز مرتبط با حقیقت آن می باشند. نخستین بحثی که در این خصوص مورد بررسی قرار گرفت، حکمت تشریح روزه، «تقوا» بود. حقیقت تقوا، ولایت است، و متقی، شیعه از شعاع نور اهل بیت (علیهم السلام) می باشد که امر به تزود بتقوی شده است. مکلفین امر به روزه داری شدند تا با حمل ولایت، ظرفیت تحصیل معرفت امام و تزود تقوا یعنی آن توشه آخروی را بدست آورند.
- روزه در سید شهور ماه مبارک رمضان واجب شده است. در شریعت مقدس اسلام، ایام نیز صاحب وجود و روح و شئونی می باشند. رمضان مبارک از اسماء الله می باشد و حقیقت آن به اسماء الله الحسني یعنی وجود مبارک حضرت أب الأئمة و سید الوصیین أميرالمومنین علي (عليه السلام) ارجاع دارد. لذا روزه در این ماه واجب شده است تا مکلف بداند که با تحصیل معرفت نورانی به ساحت مقدس امامش می تواند خود را تطهیر کند و حق الهی را بجای آورد و روزه خود را تمام و کامل کند.
- کتب آسمانی از جمله حضرت قرآن که جوامع کلم می باشد و حقیقت آن نزول امر ولایت است، در قلب ماه صیام یعنی لیلة القدر نازل شده است. آن عبادی می تواند بهترین بهره را از این ظرف زمانی ببرد که شناخت بیشتری به معرفت حقیقت و سرّ لیلة القدر که همان معرفت فاطمی است، بدست آورد. سرّ تقارن این اوامر در این زمان مبارک، مبین این مطلب است که هر عبادی حسب میزان معرفتی که به ساحت مقدس حضرت لیلة القدر به دست می آورد، از نزول حضرت قرآن که همان نزول امر ولایت است، بهره مند می شود.
- عظمت این معنا و معرفت موجب شده تا ابتدا و انتهای این ماه مبارک به ذکر الله الاکبر مزین شود؛ به این معنا که با حلول ماه مبارک، صائم، مُحرم می شود و وارد حصن سید شهور یا همان حصن حصین ولایت می شود و از هر آنچه موجب بُعد یا عصیان او از طاعت امام زمانش شود، امساک نموده و برائت می جوید، در غیر اینصورت افعال او تخصصاً از عنوان صیام خارج خواهد بود؛

یعنی به امساک عاصی اصلاً صوم اطلاق نمی‌شود. سر انجام اینکه مکلف به شکرانه بهره مندی از هدایت الهی و حظّ از حقیقت عبودیت (ولایت امام)، انتهای روزه را نیز با تعظیم و تحمید الهی ختم می‌کند.

- از دیگر احکام مرتبط با بحث صیام، قاعده میسور است. البته این قاعده اختصاص به باب صیام ندارد، اما یکی از مصادیق قاعده میسور می‌باشد. حقیقت یسر، ولایت امیرالمومنین علی (سلام الله علیه) و عسر، ولایت دشمنان ائمه است. اینکه تشریح مبتنی بر یسر جعل شده، یعنی اساس شریعت بر مبنای ولایت یعسوب الدین و اولادش (سلام الله علیهم) می‌باشد و از این مهم، مکلفین باید ملتفت مقصود اصلی مولا در عبودیت شوند؛ به این معنا که شارع مقدس اراده فرموده تا با تیسیر و تسهیل در صورت ظاهر عبادات، مکلفین به حقیقت و بطون شریعت که همان ولایت ولی الله الاعظم است، نائل شوند.

- خداوند متعال در آیات باب صیام امر به رعایت حدود این فریضه کرده است. رعایت حدود یک فریضه به معنای اتیان و امتثال آن فریضه می‌باشد که کمال این امر جز با رسیدن به معرفت اسرار و بطون آن فریضه محقق نمی‌شود. پس مکلف تنها با نیل به نورانیت فریضه صیام که عبارتست از حمل ولایت جهت ایصال به معرفت نورانی امام، می‌تواند حدود آن را رعایت کند. لذا حقیقت حدود الهی نیز جز وجود مقدس امام نمی‌باشد. چرا که حلال‌ها در اصل فرعی از فروع امام و حرام‌ها در اصل فرعی از فروع دشمنان امام می‌باشد، لذا دین و حدود و شرایع الهی جز با امام شناخته نمی‌شود.

- منتهای ماه مبارک رمضان و صیام به فطر ختم می‌شود. صائم پس از یکماه روزه داری که حقیقت آن حمل ولایت بمعنی الاتم و الاکمل، وارد فطر می‌شود و به سوی فاطر رجعت می‌کند؛ یعنی به اصل فطرتش که مبتنی بر ولایت بوده است، ارجاع پیدا می‌کند.

- در این روز مبارک یعنی عید فطر، زکات فطره یا صدقه فطره جعل شده است. زکات یا صدقه فطره، عمل صالحی است که موجب اتمام صوم می‌شود، زیرا صائم پس از تحصیل حقیقت صیام، با عمل صالحش، آن عهدی را که در اصل فطرتش اخذ شده بود را به صداقت می‌رساند و تصدیق می‌کند. و این تصدیق، همان تجدید عهد ولایت می‌باشد.

منابع و مأخذ

١. قرآن كريم
٢. ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علي، (١٤٢٩ق)، كمال الدين و تمام النعمة، تحقيق: علي اكبر غفاري، چاپ دوم، قم، موسسه النشر الاسلامي.
٣. _____، (١٣٨٥)، *علل الشرائع*، چاپ اول، قم، كتاب فروشي داوري.
٤. _____، (١٣٧٦)، *الأمالى*، چاپ ششم، تهران، كتابچي.
٥. _____، (١٣٩٦ق)، *فضائل الأشهر الثلاثة*، محقق: غلامرضا عرفانيان يزدي، چاپ اول، قم، كتاب فروشي داودي.
٦. _____، (١٤٠٣ق)، *معاني الأخبار*، محقق: علي اكبر غفاري، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین.
٧. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربي، (١٣٨٥)، *دعائم الإسلام*، مصحح: آصف فيضي، چاپ دوم، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام
٨. ابن شاذان قمى، أبو الفضل شاذان بن جبرئيل، (١٣٦٣ش)، *الفضائل (لابن شاذان القمي)*، چاپ دوم، قم، رضي.
٩. ابن شهر آشوب مازندراني، (١٣٧٩ق)، محمد بن علي، *مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)*، چاپ اول، قم: علامه.
١٠. ابن طاووس، على بن موسى، (١٤٠٩ق)، *إقبال الأعمال (ط - القديمة)*، چاپ دوم، تهران، دار الكتب الإسلامية.
١١. ابن مشهدى، محمد بن جعفر، (١٤١٩ق)، *المزار الكبير (لابن المشهدى)*، مصحح: جواد قيومى اصفهاني، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین .
١٢. ابن منظور، محمد بن مكرم، (١٤١٤ هـ ق)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
١٣. استر آبادي، علي، (١٤٠٩ق)، *تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة*، چاپ اول، قم: موسسه النشر الاسلامي.
١٤. اشعري قمى، احمد بن محمد بن عيسى، (١٤٠٨ق)، *النوادر (للأشعري)*، چاپ اول، قم، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف.
١٥. بحراني، سيد هاشم بن سليمان، (١٣٧٤ش)، *البرهان في تفسير القرآن*، چاپ اول، قم: موسسه بعثه.

١٦. برقي، احمد بن محمد بن خالد، (١٣٧١ق)، المحاسن، چاپ دوم، قم: دار الكتب الإسلامية.
١٧. حافظ برسي، رجب بن محمد، (١٤٢٢ق)، مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، چاپ اول، بيروت: اعلمي.
١٨. حر عاملي، محمد بن حسن، (١٤٠٩ق)، وسائل الشيعة، چاپ اول، قم، موسسه آل بيت عليهم السلام.
١٩. _____، (١٤٢٥ ق)، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، چاپ اول، بيروت، اعلمي.
٢٠. _____، (١٤١٤ق)، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، چاپ اول، مشهد، آستانة الرضوية المقدسه.
٢١. صفار، محمد بن حسن، (١٤٠٤ق)، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، چاپ دوم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
٢٢. عاملی نباطی، علی من محمد بن علی، (١٣٨٤ق)، الصراط المستقیم إلى مستحقي التقديم، مصحح: میخائیل رمضان، نجف، المكتبة الحيدرية، چاپ اول.
٢٣. علوی، محمد بن علی بن الحسين، (١٤٢٨ق)، المناقب (للعلوي) / الكتاب العتيق، مصحح: حسين موسوی بروجردی، چاپ اول، قم، دليل ما.
٢٤. علی بن موسی الرضا، امام هشتم عليه السلام، (١٤٠٦ق)، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، چاپ اول، مشهد، کنگره جهانی امام رضا عليه السلام.
٢٥. عیاشی، محمد بن مسعود، (١٣٨٠ق)، تفسیر العیاشی، چاپ اول، تهران: المطبعة العلمية.
٢٦. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (١٤١٥ق)، تفسیر الصافي، چاپ دوم، تهران: مكتبة الصدر.
٢٧. قرشي، علي اكبر، (١٤١٢ق)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الكتب الاسلاميه.
٢٨. قضاعي، محمد بن سلامة، (١٣٦١ش)، شرح فارسی شهاب الأخبار، چاپ اول، تهران، مرکز انتشارات علمي و فرهنگي.
٢٩. کليني، محمد بن يعقوب، (١٤٠٧ق)، الكافي، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الاسلاميه.
٣٠. كبير مدني شيرازي، سيد علي خان بن احمد، (١٤٠٩ق)، رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامي.

۳۱. کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ ق)، تفسیر فرات الکوفی، محقق: محمد کاظم، تهران، چاپ اول، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: ردار احیاء التراث العربی.
۳۳. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، (۱۴۰۶ ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانبور.
۳۴. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۵. مهریزی، مهدی، ۱۳۷۶، «اجتهاد در فهم نصوص»، فصلنامه علوم حدیث، بهار، شماره ۳، صص ۲-۹
۳۶. هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ ق)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، چاپ اول، قم، نشر الهادی.
۳۷. وزیري، مجید، (۱۳۹۱)، «روش شناسی تفسیر فقهی شیعه»، مطالعات قرآنی، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۱۶۱-۱۸۴